

# مراسم عروسی در شیراز

## ابوالقاسم فقیری

از پژوهش‌های فرهنگ عامه اداره کل فرهنگ و هنر فارس

### ۱- مراسم عروسی در شیراز

مراسم عروسی در شیراز بنوبه خود جالب و شنیدنی است. معمولاً جوانی که پس از دواج رسیده و قصد ازدواج داشته باشد، موضوع را با خانواده خود در میان مینهد. در این جا خانواده داماد یا دختر معینی را در نظر دارند که کارشان تا اندازه‌ای ساده است. در غیر این صورت کفش و کلاه میکنند باین خانه و آن خانه به «دلاله‌گی» که همان خواستگاری باشد میروند. بعضی اوقات هم دلاله زن‌ها این کار را میکنند.

### «دلاله‌گی»

مادر و خواهر داماد و چند نفر از نزدیکانش بخانه‌ایکه دختر دارند میروند. خانواده دختر در صورتیکه موافق باشند علاوه بر چای و شربت هم برای آنها می‌آورند. در صورتیکه خانواده دختر تنها به چای اکتفا کردند و شربت نیاوردند، این نشانه آنستکه باین وصلت رضا نیستند. موضوع منتفی شده، این عده بلند شده به خانه دیگری میروند.

بد نیست بدانید که در قدیم مراسمی انجام میشده که اکنون تقریباً فراموش شده است از آنجمله مادر داماد سینی بزرگی پر از سبزی را جلو دختر گذاشته و از او میخواست که سبزی را پاک کند و چنین عقیده داشتند که اگر دختر تمام سبزی را پاک کرد صبر و حوصله شوهرداری را دارد، و گرنه او را شایسته شوهرداری نمیدانستند دیگر آنکه بطریقی او را بحرف وا میداشتند تا ببینند درست حرف میزند یا نه؟ و همچنین او را می‌بوسیدند تا بفهمند دهنش بو میدهد یا نه؟ این مراسم که برایمان اکنون غریبه مینماید در زمان خود امری بسیار جدی بحساب میآمده است. بهر حال در صورت موافقت هر دو خانواده، طی جلسه دیگری باز هم زن‌های خانواده داماد می‌آیند که عروس را ببینند در یکی از همین دیدارهاست که داماد را هم با خود می‌آورند که عروس خانم را ببیند.

خانواده عروس حتماً درباره داماد و خانواده‌اش تحقیق میکنند همچنین روزی

خانواده عروس سر زده بخانه داماد میروند که دم و دستگاہ داماد را ببینند . بدنبال آن مراسم بله برون انجام می شود .

### بله برون

عده‌ای از بزرگترهای دوخانواده در منزل عروس دورهم جمع شده درباره مهریه - پول حمام - لباس و سایر چیزهای ضروری صحبت میکنند و اگر طرفین شرایطی داشته باشند در همین مجلس مطرح میکنند . تا سرانجام طرفین به توافق برسند . بعد یکی آنچه در مجلس بیان شده بروی کاغذ میآورد که در اصطلاح میگویند رقعہ‌اش را نوشته‌اند . سپس روزی را معین میکنند باتفاق عروس به بازار و کیل رفته و پارچه‌های مورد لزوم را میخرند .

### رخت برون

در این مجلس زنهای یاران عروس و داماد شرکت دارند که بدانها «سوری» میگویند. سوریهای داماد خیاطی را همراه میآورند که اندازه عروس را بگیرد و پارچه‌هایی را که قبلاً خریدند فی‌المجلس ببرد . پذیرائی از مدعوین بعهده مادر عروس است . ضمناً مادر داماد همراه با پارچه‌ها مقداری نقل و هدیه‌ای که در اصطلاح محل بدان گُل «به ضم اول» میگویند با خود میآورد . در این مجلس زنها دایره میزنند و واسونک میخوانند<sup>۲</sup> .

خانم عروس روی تخت دور تختش گل زیند  
همه تون گوئید مبارک قیچی بر رختش زیند  
من شنیدم خانم دوسی یل مخمل میخرید  
این مغازه رو بقبله رخت رودم می‌برید<sup>۳</sup>  
یل مخمل سر میخه من خودم میدوزمش  
هرکه بشه زن کاکام مثل گل می‌بوسمش  
رخت کاکام روسرم بود تا کنار باغ نو  
باغ نو بر غنچه بود وزن کاکام بچه بود

### عقد کنون

برای عقد و عروسی در تمام فارس ساعت خوب میکنند «یعنی ساعتی را انتخاب میکنند که بنا به عقاید قدیم سعد باشد» در شیراز هم چنین است . دونوبت عقد میگیرند یکی عقد مخفی است که تنها عده‌ای از نزدیکان عروس و داماد شرکت دارند ، که معمولاً خطبه عقد هم در همین مجلس خوانده میشود . و دیگری مجلس عقد که همه دوست و آشنایان دوخانواده در آن شرکت میکنند . روز عقد خانواده داماد همه چیز بخانه عروس می‌برد غیر از ذغال و تنباکو و معتقدند که تنباکو تلخی همراه دارد و ذغال سیاهی .

ناهار روز عقد بعهده پدر عروس است ولی شب عقد کنان مادر داماد موظف است شام مفصلی تهیه دیده برای عروس بفرستد که در اصطلاح محل بدان شام پس عقد میگویند .

حالا کمی هم از معتقدات مردم شیراز درباره عقد بخوانید :

۱ - در موقع عقد کنان باید دخترها از اطاقی که خطبه عقد در آن خوانده میشود بیرون بروند که بختشان بسته نشود .

۱ - دلالت زنهائی هستند که با گرفتن مبلغی دختر یا جوانی را به خانوادہ‌ای معرفی میکنند . اخیراً مرسوم شده است که این دسته از زنها تعدادی عکس از دختر و جوانهای مورد نظر همراه دارند و به این و آن نشان میدهند. بدیهی است که این عده ید طولائی در ترمیف و تمجید از عروس و دامادهای آینده دارند .

۲ - واسونک - ترانه‌های ویژه‌ایست که در مجالس عروسی میخوانند .

۳ - رود برون دود - فرزند

- ۲ - اطاقی که عروس را در آن عقد می‌کنند باید زیرش پر باشد « یعنی زیرزمین زیرش نباشد » .
- ۳ - در موقع عقد در هاونی عنبر بورا کوبیده و میگویند : عروس عنبر بو - دو ماد گربه .
- ۴ - هنگام عقد چون عروس را از سر جانماز بلند کردند باید پسری جای او بنشیند تا عروس شکم اول پسر بزاید .
- ۵ - جانماز عروس را باید زنی که بخوش شانس معروف باشد پهن کند همچنین سائیدن قند روی سر عروس را ، ضمناً از همین قند مادر عروس دوای آرد و روغن<sup>۴</sup> درست کرده بعد از عروسی بخانه دامادش میفرستد .
- ۶ - نان و پنیر و سبزی و گردوئی را که در هنگام عقد به یاران عروس و داماد میدهند باید عروس دستش را روی آن بگذارد تا هر کس از آن بخورد دندان درد نگیرد .
- ۷ - در موقع عقد چراغی که با غسل و روغن میسوزد تهیه کرده و آنرا روشن میکنند تا عروس و داماد چون غسل و روغن درهم بجوشند .
- ۸ - در موقع عقد ماست و تربت درست میکنند چون عروس بله گفت با انگشت کوچکش از آن میخورد سپس نوبت به داماد و سایرین میرسد که از ماست و تربت بخورند .
- ۹ - بندی که از ابریشم سبز تهیه شده در موقع عقد در گردن عروس میاندازند تا عروس همیشه سبز بخت باشد .

#### دست بوسون

معمول است که داماد بایکی دونه از نزدیکانش بخانه مادر زن میرود و دست او را می‌بوسد ، و مادر زن هم روی او را همچنین مادر زن موظف است هدیه‌ای به دامادش بدهد .

#### عروسی

روز قبل از عروسی حجله می‌بندند و برنج پاک میکنند ، که این مراسم باشادی و شغف و خواندن واسونک همراه است .

این برنجهای چهل منی و چهل و چار آبش میاد

عروس ما بچه‌ساله سرشب خوابش میاد

چه خوشه فصل بهار و چه خوشه عیش برار « برادر »

چه خوشه بلبل بخونه تا ببندیم حجله را

آمدیم حجله ببندیم نیامدیم سیل بکنیم

آتیش بنداز تو سماور تا چاهی میل بکنیم

برای آوردن عروس عده‌ای بخانه عروس میروند در این مجلس با شربت و پالوده از سوریها پذیرائی میشود رسم است که یاران داماد چیزی را میدزدند ، این چیز دزدی شده ممکن است لیوان ، قاشق ، یا استکان باشد .

معتقدند این کار سبب خواهد شد که داماد زودتر موفق بانجام وظیفه مخصوصش گردد . چون خواستند عروس را ببرند پدر عروس تا قباله عروس را از یاران داماد نگیرد اجازه بردن عروس را نمی‌دهد .  
در همین مجلس میخوانند :

ای خدا وای الله چقدر وایسیم سر یا

اذنی از آقاش بگیرین تا بریم دست خدا

اومدیم و اومدیم میگوئید دیر اومدید

گل بدست دستمال بدست وشاد و خرم اومدیم

این واسونك را هم یاران عروس میخوانند :

يك اطاق خالی كنید و فرش گلکاری كنید  
گل میاد خونه شما مٲ گل نگهداریش كنید.

زیر بغل عروس را خواهران داماد میگیرند و آینه سنگی بزرگی جلو رویش گرفته بطرف خانه داماد راه میافتند اهالی محل روی سر آنها گلاب می پاشند . نرسیده بخانه داماد ، داماد به پیشواز عروس می آید و عروس را با خود بخانه می برد . درحجله ، بزرگتر خانواده دست عروس و داماد را بهم میدهد ، باید دست داماد روی دست عروس قرار بگیرد ، تا برای همیشه داماد بر عروس مسلط باشد . خانواده عروس هم همین را میخواهند چه بسا مابین دو خانواده بر سر همین موضوع جر و مرافعه میشود . درحجله انگشتهای كوچك عروس و داماد را با گلاب می شویند . و عروس و داماد سكه هائی را كه قبلاً در دست گرفته اند در ظرفی كه زیر دستشان گرفته اند میاندازند ، این گلاب را معمولاً پای درخت سبزی میریزند . داماد در حجله هدیه ای بنام « روگشا » به عروس میدهد . در حجله بسر عروس و داماد پول و نقل میریزند .

صبح عروسی چون داماد موفق شده باشد بعنوان پیروزی زنها كل میزنند . آنگاه داماد بدیدن مادرزنتش میرود ضمن بوسیدن دست او مادر عروس را باخود به خانه اش می آورد . هدایائی را كه برای عروس و داماد می آورند صبح عروسی بهمه نشان میدهند در شیراز باین هدایا « گل » میگویند . همچنین جهاز عروس را كه باید حتماً همه ببینند .

اینهم معتقدات مردم شیراز درباره عروس :

اگر عروس ته دیگ دوست داشته باشد ، شب عروسی باران می بارد .

چون عروس در شب عروسی برقصد نان ارزان خواهد شد .

اگر آینه عروس بشكند عروس بدبخت خواهد شد .

۴ - - آرد و روغن دوائی است مخصوص كه مادر عروس درست کرده چند روز بعد از عروسی بخانه دامادش میفرستد مرسوم است كه مادر داماد دوا را در كاسه های كوچكى كرده و برای نزدیكانش میفرستد . دواى آرد و روغن مقوی است .

۵ - در شیردانی يك شانه يك دسته كلید مقداری بوخوش « اسفند » ریخته و سپس مجمعه ای روی سر عروس گرفته و حوله بزرگی روی آن بهن میکنند . سپس بزرگتر خانواده كه معمولاً زنی جهان دیده می باشد ، چهل و يك مشت آب روی مجمعه ریخته و چهار قل را میخواند . آب جلد عروس را هم برای سلامتی میزنند و هم بخاطر اینکه جلد روی عروس نیافتد .

\*\*\*

در شیراز عروسی بی سرو صدا را نمی پسندند از اینجهت اكثریت سعی می كنند كه حتماً در عروسی هایشان مطرب « نثار نخته حوضی » داشته باشند . از معروفترین دسته های شیرازی توان از : دسته رحیم قانونی - دسته سید رزاق - دسته سید محمود .. دسته آقا بالا - دسته داوود . دسته اصغر ماتیکي شكر و منوچهر را نام برد . . . كه از این دسته ها یکی دودسته اکنون بیشتر باقی نیست . روز عروسی هم لوطی ها می آیند كه عده ای معتقدند پول دادن به آنها شگون دارد . . از جمله ترانه هائیکه لوطی ها میخوانند یکی هم این ترانه است :

شالا* دوماد خوشش بو « باشد »	ایشاءالا
چیبش پر پولا بو	»
شالا عروس خوشش بو	»
شكم اول پسابو « شكم اول پسر باشد »	»
شكم دوم دخا بو « شكم دوم دختر باشد »	»

\* شالا : انشاءاله